



تحلیل آیکونوگرافیک طرح واگیرهای قالی در نگاره رستم خان زند

سمانه کاوند*

استادیار گروه فرش، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

(دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱، پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹)

چکیده

آیکونوگرافی طرح واگیرهای قالی در نگاره رستم خان زند، مسأله اصلی مقاله پیشرو است. نگاره رستم خان زند با دربرداشتن دو شاخصه؛ درباری بودن و درج امضاء نقاش سند تصویری اصیلی از دوره زندیه (۱۲۰۹-۱۱۶۳ هجری) است لذا تمامی عناصر نگاره را می‌توان از الگوهای رایج آن دوره تاریخی لحاظ نمود. مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که مطالعه آیکونوگرافیک، چگونه موجب تحلیل طرح قالی موجود در تصویر خواهد شد؟ به نظر می‌رسد علاوه بر تحلیل یکی از طرح‌های رایج قالی زندیه، آیکونوگرافی طرح قالی مذکور، مفاهیم و الگوهای فکری دوره زندیه را به نمایش می‌گذارد. فرضیه این است که نقاش در نگاره مورد پژوهش هرچه به‌طور واقع در پیرامون وجود داشته به تصویر درآورده؛ اما از سویی دیگر با مفروض دانستن امکان اعمال سلیقه رستم خان این پرسش طرح می‌شود که در انتخاب برخی عناصر بصری مانند نقوش قالی در تصویر و گزینش طرح واگیرهای اسلیمی برخاسته از سلیقه شاهزاده بوده یا در اندیشه نقاش چه اندازه متصور شده است؟ نقاش نگاره آقا صادق دوم است و در سایر آثار ایشان نیز قالی‌هایی با طرح قاب اسلیمی دیده می‌شود. ذوق هنری نقاش و سنت نقش‌اندازی زمانه نسبت به اعمال سلیقه شاهزاده زندی تأثیر بیشتری داشته است. با توجه به رویکرد کیفی پژوهش، روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی و گردآوری اطلاعات در آن با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. همچنین تحلیل‌ها با اتکا بر رویکرد آیکونوگرافی انجام شده است. نتیجه تحقیق نشان داد به سبب موضوع نگاره و امضاء آقا صادق، قاب اسلیمی واگیرهای از طرح‌های مرسوم قالی دوره زندیه بوده است. با وجود حاکمیت فضای مثالی هنر ایرانی بر تابلو، یکایک عناصر بصری وحدت رویه داشته و سنت باستان‌گرایی قابل درک است. انتخاب نوع قالی نیز متأثر از محتوا بوده و با فرم کلی نگاره دارای وحدت است.

واژگان کلیدی

آیکونوگرافی، قالی زند، طرح واگیرهای، قاب اسلیمی، رستم خان زند.



مقدمه

قالی در پیکره‌فراگیر تاریخ فرهنگی ایران و فراگرد ارتباطی آن جایگاه بی‌بدیلی دارد. قالی، اطلاعاتی از فرهنگ، مذهب، سیاست و هنر هر دوره را در بردارد. طرح‌ها و نقوش قالی گویای اسطوره، تاریخ، مذهب و فرهنگ در طول تاریخ بوده است. قالی فراتر از زیرانداز و کف‌پوش به عنوان اثری فرهنگی و هنری ایفای نقش می‌کند. نگارگری ایرانی نیز حتی فرمایشی، آیینی از زمانه و محیطی است که هنرمند، اگرچه سعی در به تصویر کشیدن واقع‌گرایانه جزئیات نداشته اما به هر ترتیب در کارش بازتاب یافته که یکی از این موارد، طرح قالی است. نگاره مورد مطالعه تصویر رستم‌خان از شاهزادگان دوره زندیه است. مؤلفه‌های تصویری رستم‌خان زند نمایانگر شاخصه‌های سبک زندگی اشرافی است. به نظر می‌رسد عناصر تصویر از الگوهای قابل‌پذیرش دربار بوده و مؤید رواج آن است. توصیف قالی واگیرهای در گام نخست و شناخت اجزا تشکیل‌دهنده، سپس تحلیل آیکونوگرافیک طرح و نقش به مطالعات تخصصی در خصوص هنر عصر زندیه کمک می‌کند. انعکاس نقش قالی در نقاشی، با توجه کمبود منابع نوشتاری و تصویری مغتنم است. علی‌رغم شهرت قالی ایرانی، پژوهش‌های علمی اندکی در حوزه بافته‌ها انجام شده و پرسش‌های بسیاری تاکنون بی‌پاسخ‌مانده است. در برخی ادوار مسأله با کمبود منابع تاریخی پیچیده‌تر می‌شود. قالی دوره زندیه از مصادیق چنین ادعایی است. نقاشی‌ها تا حدی مسأله را مرتفع نموده و طرح‌های موجود در نگاره‌ها به عنوان منابع تصویری به شناخت طرح‌های مقبول و رایج آن دوره یاری می‌رساند. طرح‌ها و نقوش قالی با وجود تکرار در هر دوره‌ای تحول و تطور نوآورانه داشته و سبک خاص خود را داشته است. در مقاله پیش رو سعی شده با روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر رویکرد آیکونوگرافی یکی از طرح‌های رایج قالی دوره زندیه تحلیل شود. شناسایی و تحلیل طرح‌های موجود در تصویر رستم‌خان زند یکی از اهداف پژوهش بوده و معرفی طرح قالب اسلیمی به عنوان یکی از طرح‌های رایج قالی عصر زندیه هدف دیگر این تحقیق است. با توجه به مسأله طرح‌شده، این مقاله در صدد پاسخگویی به این پرسش محوری است: چگونه می‌توان با بهره‌مندی از روش آیکونوگرافی نقشه قالی موجود در تصویر را خوانش نمود؟ آنچه در ادامه خواهد آمد (بهتر است تیتراهای مقاله مورد اشاره قرار گیرد).

روش پژوهش

با توجه به رویکرد کیفی پژوهش، روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی است. اطلاعات جمع‌آوری شده حاصل یادداشت‌برداری از منابع مکتوب کتابخانه‌ای و جست‌وجو در میان آرشیو تصویری موزه‌هاست. انتخاب نمونه تحقیق از دوره زندیه بر اساس مشخصه‌هایی مانند: وجود نقش قالی‌ها در نگاره، وجود امضاء، نقاش (آقا صادق) مبنی بر تعلق اثر به دوره زندیه بوده بر این مبنا، نگاره رستم‌خان زند انتخاب شده است. ابتدا با توجه به اهداف پژوهش تصویر قالی موجود در نگاره توصیف، سپس به تحلیل طرح و نقش پرداخته شده است. در بخش تحلیل نقوش در جهت اثبات فرضیه پژوهش، واگیره قالی در سایر آثار هنری مشخص و با نمونه

مطالعاتی تطبیق گردید تا اصالت آن مشخص شود. همچنین تحلیل‌ها با اتکا بر نظریه آیکونوگرافی اروین پانوفسکی انجام شده است.

پیشینه پژوهش

در میان پژوهش‌های انجام شده، مطالعاتی با محوریت تحلیل نقوش در دستبافته‌های قالی در دوره زندیه سهم اندکی را به خود اختصاص داده است. برخی کتاب‌ها نیز به‌طور کلی با محوریت هنر زندیه نوشته شده‌اند که از آن جمله می‌توان *هنرهای ایران* را نام برد. فربه (۱۳۷۴) به هنرهای این دوره پرداخته و مطالب مفیدی در خصوص هنر زندیه آورده که به‌خوبی تفکیک و طبقه‌بندی شده است. کتاب دیگری که به هنر دوره زندیه به‌ویژه معماری پرداخته *جستاری در شهرسازی و معماری زندیه* تألیف نصر (۱۳۸۷) است. همان‌طور که از عنوان کتاب برمی‌آید، رویکرد اصلی نویسنده معماری و شهرسازی دوره زند است اما؛ کمبود منابع مکتوب عصر زندیه سبب شده تمام منابع مرتبط مغتنم باشند؛ اما پژوهش جامع و متمرکز با محوریت طرح و نقش قالی زندیه انجام نگرفته است و این وجه نوآورانه مقاله پیش روست که ضرورت انجام چنین تحقیقاتی را نیز تبیین می‌کند. علی‌حضور (۱۳۷۶) در فرش بر مینیاتور به استخراج استخوان‌بندی قالی‌های موجود در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری پرداخته است. پرواضح است که موضوع اصلی هیچ‌یک از منابع یادشده، تحلیل مبانی بصری نقوش قالی در نگاره‌ها نیست در حالی که، پژوهش حاضر در این جهت گام برمی‌دارد. به این ترتیب می‌توان چنین پنداشت که مطالعه در مبانی بصری نقوش واقع‌گرایانه قالی‌های مصور در این آثار، ابعاد اجتماعی پنهان اما مؤثر بر هنر و از جمله دستبافته‌ها را می‌نمایاند و چرایی انتخاب قالی‌هایی با نقوش متفاوت را در پیکرنگاری‌های شاهزادگان زند مکشوف می‌سازد. با این حساب هدف بدیع این مقاله در وهله اول شناخت طرح قالب نگاره رستم‌خان زند و در مرحله دوم تحلیل آیکونوگرافیک نقش قالی است.

مبانی نظری پژوهش

آیکونوگرافی

دستیابی به روشی مدون و منطقی برای مطالعه و فهم هنر، دغدغه بسیاری از منتقدان و مورخان تاریخ هنر بوده است. افراد بسیاری تلاش نموده‌اند تا فرایند درک هنر را روشمند سازند. پیریزی روش آیکونوگرافی و آیکونولوژی از جمله ثمرات این گونه نگرش‌هاست. بهره‌گیری از این شیوه‌ها آشفتگی فکری پژوهشگران را به انسجام و نظم در تحلیل یافته‌ها مبدل می‌کند. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه هنرهای سنتی ایرانی روندی توصیفی و شکل‌گرایانه (فرمالیستی) داشته است. اگرچه هنوز هم نمی‌توان با قطعیت از انطباق روش‌هایی همانند آیکونوگرافی و آیکونولوژی بر روی هنرهای بومی و ملی ایران سخن گفت اما آزمون این شیوه خالی از لطف نیست. نگارنده طی سالیان اخیر پرسنده این پرسش از صاحب‌نظران بوده که آیا روش‌های تفکر پژوهشی



مرتبه قبلی نه با یک معنای محسوس بلکه با امری معقول، یعنی محتوای ادبی سروکار داریم» (نصری، ۱۳۹۱: ۴۱). این موضوع سبب اعتبار بخشی به اثر هنری شده و هر اثر یک سند تاریخی-ارجاعی محسوب می‌گردد. با طی این مسیر درواقع مبانی نظری نهفته در نقش‌مایه‌های قالی از یک دوره بسیار کوتاه حکومتی به نام زندیه استخراج می‌شود. درواقع آیکونوگرافی، شناخت نقوش قالی زند در مرحله‌ای فراتر از توصیف بوده و به لایه‌های درونی و تحلیلی وارد می‌شود.

رستم خان زند

رستم خان زند نوه زکی خان برادر ناتنی کریم خان زند، مؤسس سلسله زندیه (۱۱۹۳-۱۱۶۳ هجری) بود. نگاره رستم خان زند (تصویر ۱)، توسط آقا صادق به تصویر درآمده است. بسیاری از نقاشی‌های عصر زندیه به دست آقا صادق تصویر شده و وجود امضای هنرمند در تابلو مؤید آن است. نگاره مورد پژوهش بسیاری از مؤلفه‌های پیکرنگاری درباری از جمله نوع پوشش، خنجر و غلاف چرمی، کمربند تزئینی و آرایه‌های معماری را دارا است. از سویی دیگر به اعتقاد پژوهشگران پرتوهای با اندازه بزرگ نیز نماد سلطنت محسوب می‌شدند. نقاش با ترسیم شانه‌های پهن شاهزاده قدرت او را نمایان ساخته است. در دست چپ او یک سیب قرمز (به اعتقاد برخی ترنج) به نشانه عشق و سلامتی در فرهنگ ایرانی دیده می‌شود. تلاش نقاش در رنگ‌آمیزی پوست شاهزاده به صورت واقعی و یا طراحی دقیق طارمی هندسی و بسیاری دیگر از جزئیات تصویر، توجه مخاطب را به واقع‌گرایانه بودن طرح قالی جلب می‌کند.

طرح واگیرهای با قاب اسلیمی و گل‌های ختایی

با توجه به مطالعه و تدقیق در نگاره رستم خان زند (تصویر ۱) قالی موجود در تصویر طرح واگیرهای دارد. واگیره همان بخش تکرار شونده در



تصویر ۱: نگاره رستم خان زند، ۱۱۹۳ هجری، آقا صادق.

منبع: <http://www.sothebys.com/en/auctions/ecatalogue/2013/arts-of-the-islamic-world-113223/lot.99.html>

غربی ظرفی مناسب برای مظهر هنر ایرانی است؟ در این میان پاسخ‌های متناقضی شنیده شده است. اما بسیاری معتقدند سپهر تفکر بشر فراتر از جغرافیاست لذا برای درک زوایای تاریک و مفقود هنر ایران می‌توان از هر شیوه تحلیل علمی بهره جست. آیکونوگرافی روش‌های مطالعاتی در حوزه تاریخ هنر است که آثار هنری را با توجه به ساحت‌های مختلف تمدنی از جمله اسطوره، تاریخ، علم، سیاست و غیره مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج این مطالعات منجر به درک محتوای درونی آثار هنری می‌شود.

اروین پانوفسکی^۱ برای تحلیل یک اثر هنری، از یک فرایند چندمرحله‌ای شامل توصیف پیش‌آیکونوگرافی، تحلیل آیکونوگرافیک و تفسیر آیکونوگرافیک یا آیکونولوژی بهره می‌برد (Panofsky, 1972: 14-15). برای پانوفسکی چنین مطالعه‌ای دارای سه مرحله توصیف متنی، تحلیل بینامتنی و تأویل گفتمانی خلق متن است (عبدی، ۱۳۹۰). عبدی این طبقه‌بندی را بسط داده و با تکیه بر نظریات پانوفسکی به شرح بیشتر پرداخته است.

«به‌طور اختصار می‌توان توصیف پیش‌آیکونوگرافیک را یک شبه‌تحلیل صوری و تحلیل آیکونوگرافیک را ورود به دنیای رمزگان اثر از طریق آشنایی با دنیای تصاویر، داستان‌ها و حکایات مرتبط با اثر محسوب داشت. از این‌رو مرحله نخست این رویکرد فارغ از معانی قراردادی یا نمادین تنها بر تبیین موضوع مورد بازنمایی به‌واسطه آشنایی عملی با مبانی هنر و اصول تجسمی و نیز بر تاریخ سبک متمرکز است. گام دوم در تلاش برای دسترسی و شناخت معانی ثانوی و یا قراردادی مکنون در اثر هنری، آشنایی با مضامین خاص و مفاهیم از طریق مراجعه و تسلط به دانش منابع ادبی و آزمون آن دانش از طریق آشنایی با گونه‌های تاریخی مطرح می‌شود.» (همان: ۱۶-۱۷)

به عقیده پانوفسکی در هر مرحله یک محور اصلی جهت معناپردازی و رمزگشایی مضمون یا معنا و فرم سه مرحله از تفسیر را مشخص کرده است. در گام نخست فرم، سپس معنا و در نهایت مضامین و محتویات درونی مدنظر قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد ارتباط پایه‌ای میان هر سه مرحله وجود دارد و یافته‌های هر بخش اساس کار مرحله بعد قرار می‌گیرد. سیر حرکت در مطالعات آیکونوگرافیک از سطح به عمق است. «به‌طور فرضی، در مطالعه یک اثر هنری، حرکت از سطح اول، به ترتیب به سطح دوم و سوم پیش می‌رود» (دالوا، ۱۳۹۴، ۳۳). به اقتضای پژوهش و منابع در دسترس خوانش دولایه‌ای توصیف و تحلیل انجام شده و از لایه تفسیر (آیکونولوژی) صرف‌نظر شده است.

تعاریف گوناگونی از واژگان کلیدی روش آیکونوگرافی شده است که به معناکاوی پرداخته‌اند: «آیکونوگرافی به طرزی دقیق بازایی معنای نمادین و تمثیلی که آثار هنری حاوی آن هستند را در دستور کار خود قرار می‌دهد» (همان: ۳۴). نصری در مقاله خود نحوه تفکیک لایه‌ها را نه بر اساس فرم، معنا و مضمون بلکه بر پایه منسوب نمودن به امر محسوس و معقول تفاوت‌ها را تبیین می‌کند. «در این مرتبه برخلاف

حائز اهمیت این که برای اندازه قالی می‌توان این نکته را در نظر گرفت که به ازای یک شخص نشسته یک مترمربع از قالی را می‌توان لحاظ نمود. با توجه به این اصل می‌توان به صورت حدودی اندازه قالی را تخمین زد. اجزای واگیره قالی تصویر شامل قاب اسلیمی و گل‌های گرد است. تشخیص نقش اسلیمی و قرار گرفتن روی بندهای ساختاری طرح، شاکله را مشخص می‌کند. اسلیمی و گل گرد مهم‌ترین نقش‌مایه‌های قالی واگیره‌ای تصویر هستند. واگیره به عنوان بخش سازنده و طرح پایه است. واگیره قالی نگاره رستم‌خان نیز در (تصویر ۳. ب) مشخص شده است. رستم‌خان به گونه‌ای روی قالی نشسته که تشخیص دقیق طرح قالی دشوار شده اما مقایسه و تطبیق دو سمت قالی در دو سوی چپ و راست شخصیت، نشان از تکرار یک واگیره ثابت در کل قالی دارد. واژه «واگیره» با نام‌های دیگری چون الگو، ارنک، اورنگ و طرح پایه نیز متداول است.

توصیف پیش آیکونوگرافیک قالی

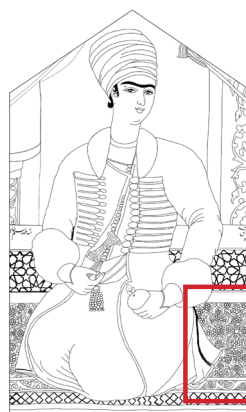
نگاره، رستم‌خان زند، نوه برادر ناتنی کریم‌خان، از آثار محمدصادق^۲، نقاش عصر زند است. تاریخ خلق اثر به استناد امضاء هنرمند ۱۱۹۳ ه.ق/ ۱۷۷۹ م. برابر با سال مرگ کریم‌خان زند است. قالی موجود در این نگاره همانند بیشتر قالی‌های زند، واگیره‌ای و تکرارشونده است. واگیره قالی از قاب‌های اسلیمی با تزئینات ختایی تشکیل شده است. حاشیه اصلی هم نقش اسلیمی داشته و حاشیه بیرونی نیز از نوع «مداخل» (تصویر ۴) است. به سبب مشاهده نقش قالی در نقاشی از ابعاد و جنس قالی نمی‌توان سخن گفت؛ اما طرح قالی به قدر کفایت معلوم است.

قالی نامبرده دو حاشیه داخلی (درونی) و خارجی (بیرونی) دارد. حاشیه داخلی متشکل از پیچش اسلیمی و حاشیه بیرونی یکی از رایج‌ترین حواشی قالی عصر زند، حاشیه مداخل، است. به نظر می‌رسد بهتر است در کل متن به همان تصویر اصلی ارجاع داده شود و تقطیع تصویر صورت

قالی است. در طراحی سنتی برای قسمت‌های مشابه در یک کادر واگیره در نظر گرفته می‌شود. آسان بودن طراحی و تکرار در طرح واگیره سبب شده از ادوار کهن، بر روی آثار هنری نقش بندد. تاریخ فرش با توجه به یافته‌ها، قالی پازیریک (تصویر ۲) را قدیمی‌ترین نمونه طرح واگیره‌ای در میان بافته‌های پرزدار می‌داند. طرح قالی تصویر رستم‌خان زند (تصویر ۳) نشان از این دارد که به احتمال، قالی از نوع کناره با طولی بیشتر از عرض بوده و تکرار واگیره در جهت طولی سطح قالی را پوشانده است. اما نکته



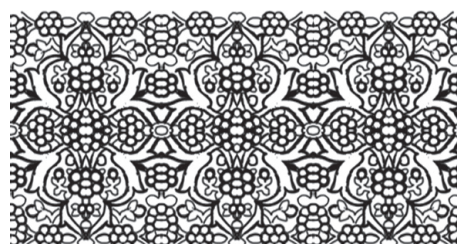
تصویر ۲. قالی پازیریک، زمینه قالی متشکل از ۲۴ واگیره، موزه ارمیتاژ، منبع: (archaeologynewsnetwork.blogspot.com)



الف

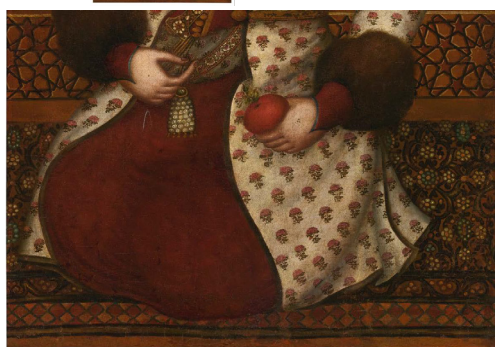
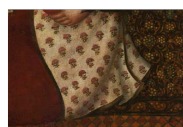


ب



ج

تصاویر ۳. الف- طرح خطی نگاره رستم‌خان زند، ب- واگیره قالی، تصویر، ج- طرح بازسازی شده بخشی از قالی.



بخشی از تابلوی رستم‌خان زند و نمایش جزئیات طرح قالی قاب اسلیمی، اثر آقاصادق، رنگروغن روی بوم، ۹۹×۱۴۸ cm. منبع: (http://www.sothebys.com)



منظر بصری با قسمت پایین و بالای کادر و نقوش اسلیمی سطوح چوبی پیش‌زمینه ارتباط دارد. طرح واگیر به سبب سهولت طراحی از الگوهای تکرارشونده در تاریخ هنر ایران بوده و در دوره زندگی بسیار دیده می‌شود. بررسی مفهوم ریتم در این قالی بیشتر در «تکرار» معنا شده است. حاشیه مداخل، تکراری یکنواخت و آهنگین دارد و حاشیه داخلی علیرغم تکرار، خطی نبوده و حرکتی پیچشی دارد. متن قالی نیز حاصل تکرار یک نقش‌مایه با ریتمی خطی است.

تحلیل آیکونوگرافیک قالی موجود در نگاره رستم خان زند

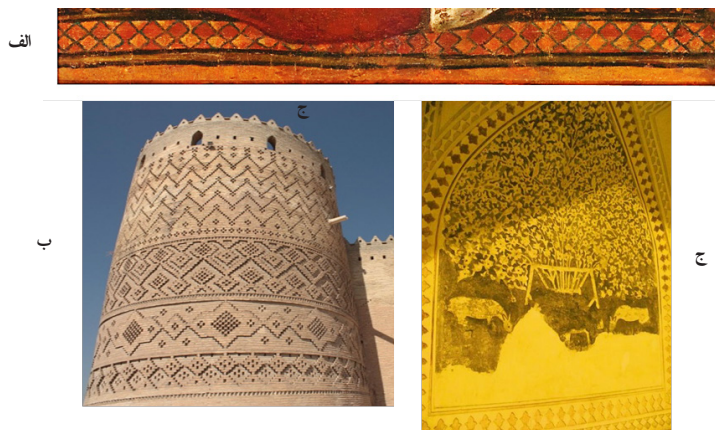
اسلیمی از جمله نقوشی است که در بسیاری از آثار هنرهای سنتی ایران دیده می‌شود. تکرار، رشد و نمو اسلیمی سطح یا زمینه اثر هنری را تزئین می‌کند. گروهی از پژوهشگران اسلیمی را ملهم از اشکال گیاهی و برخی نیز جانوری می‌دانند. به نظر می‌رسد هر دو مورد مصداق دارد. انواع اسلیمی ساده، خرطومی، دهان‌آزدری، برگ‌ی و ماری در هنرهای سنتی وجود دارد. «به مجموعه‌ای از شکل‌های تزئینی خاص که شباهت به دهان باز مار دارند اسلیمی گفته می‌شود» (نصیری، ۱۳۸۹: ۷۲). تعدادی از محققان وجه‌تسمیه اسلیمی را برگرفته از واژه «اسلام» می‌دانند و معتقدند با ورود اسلام و تحریم صور واقع‌گرا، این نقوش جایگزین شدند. سنت‌گرایی چون بورکهارت از این دسته‌اند و در شرح نقش اسلیمی می‌نویسد: «در اسلیمی (عربانه) که آفرینش نوعی و نمونه‌وار اسلامی است، قریحه هندسی با طبع چادرنشینی ترکیب می‌شود» (بورکهارت، ۱۳۶۹: ۱۳۹). اما منابع تصویری پیش از اسلام گواهی بر وجود اسلیمی در هنرهای آن دوران است (تصویر ۶).

اسلیمی‌ها پیش از اسلام نیز در آثار برجای‌مانده به شکلی دیگر وجود داشته است؛ در دوره اسلامی، منع نقوش انسانی و جانوری، عرصه گسترده‌تری برای نمایش اسلیمی‌ها فراهم آورد. وجود تعداد اندک قالی‌های به‌جامانده از قرون اولیه و میانه اسلامی مطالعه در این حوزه را دشوار نموده است. نخستین نمونه‌های قابل بررسی متعلق به عصر تیموری است. در میان این آثار، فرش‌پاره‌ای وجود دارد که نقش‌مایه‌ای بسیار شبیه به واگیره اصلی قالی موجود در تابلوی رستم خان زند دارد. (تصاویر

نگیرد. در تزئینات آجری باروی ارگ کریم‌خانی و آهک‌بری حمام وکیل نیز نقش مداخل دیده می‌شود. (تصاویر ۵. ب و ۵. ج)

شواهد تصویری دارای حاشیه مداخل، دال بر رواج نقش نامبرده در دوران زندگی دارد. پیوستگی مضامین در آثار گوناگون هنری بیانگر الگوی مشخص و واحد در هنر هر دوره تاریخی است. باوجود تکرار و تنوع نقوش، وحدت محتوایی وجود دارد. پانوفسکی عقیده داشت که نگرش یک قوم، دوره یا طبقه و عقاید دینی، ادبی و فلسفی آنان می‌تواند در شخصیت واحدی جمع شود یا در اثر هنری یکتایی فشرده شود؛ درست مانند فراز آمدن کل عالم در یک‌دانه شن (ماینر، ۱۳۸۷).

قالی موجود در تصویر دو حاشیه دارد. حواشی در دو جلوه منحنی و شکسته ظاهر شده است. متن و حاشیه داخلی را خطوط منحنی شکل داده و حاشیه بیرونی از تکرار خطوط شکسته تشکیل شده است. متن قالی و حاشیه داخلی به سبب تکرار خطوط منحنی حسی روان و سیال را القاء می‌کند. از آنجاکه طرح قالی از نوع واگیره‌ای و تکرارشونده است، ریتمی مشخص در سرتاسر قالی به چشم می‌خورد. حس حرکت نیز با پیچش اسلیمی‌ها به مخاطب منتقل می‌شود. بیشترین تحرک و پویایی در حاشیه درونی با حرکت پیش‌رونده، اسلیمی به بیننده القاء می‌شود. اگر این قالی واقعی بوده و در موزه نگاهداری می‌شد، مخاطب تحرک کمتری را در بین اجزاء و عناصر بصری قالی احساس می‌کرد؛ اما در این تصویر کادری بسته برای قالی ترسیم نشده است پس بیننده احساس متناهی ندارد و استمرار و امتداد قابل‌درک است. رنگ‌های قالی از نوع رنگ‌های گرم مانند کرم، نارنجی، سبز، قهوه‌ای روشن و قهوه‌ای تیره است. از آنجاکه قالی به‌طور کامل مشخص نیست، از تقارن، تناسب و سایر مشخصه‌های آن نمی‌توان سخن گفت؛ اما مشاهده عناصر بصری تابلو رعایت اصول تناسب را گویاست و تناسبی ایستا و بیجان بر تابلو حاکم نیست. «زیرا اساساً تناسب، عنصری متحرک و فعال است و نه ساکن و ایستا» (نامی، ۱۳۸۵: ۷۵). قالی موجود در نگاره، صرفاً یک زیرانداز و کف‌پوش لحاظ نشده است. بلکه به‌نظر می‌رسد با سایر اجزای تصویر همچون نقوش لباس رستم خان و تزئینات دیوار هماهنگی دارد. طرح واگیره اسلیمی از



تصویر ۵. الف- نقش مداخل، قاب اسلیمی نگاره رستم خان، منبع: <http://www.sothebys.com>؛ تصویر ۵. ب- نقش مداخل در تزئینات آجری باروی ارگ کریم خان زند، منبع: <https://fa.wikipedia.org/wiki/>؛ تصویر ۵. ج- نقش مداخل در آهک‌بری حمام ارگ کریم خان زند، منبع: <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۷-الف و ۷-ب)

در شیراز است. پس می‌توان این نوع طرح قالی را از طرح‌های متداول در عصر زند دانست که همواره با حاشیه مداخل^۲ همراه است. این حاشیه در بیشتر آثار دوره زند دیده می‌شود. در حال حاضر نیز مناطقی همچون

نقوش اسلیمی و ختایی در دوره صفویه رونق داشته و هنرمندان در تزئین آثارشان از این نقوش بهره می‌گرفتند. «سبک هندسی در این زمان تا حد زیادی جایش را به آرایه‌های پرکار اسلیمی و گل و گیاهی داد.» (پوپ، ۱۳۸۷: ۳۲۰۳) نمونه واگیره‌ای قالی موجود در تابلو، در قالی شیخ صفی‌الدین اردبیلی دیده شد (تصاویر ۸ الف و ب).

در میان آثار هنری عصر زندیه واگیره اسلیمی علاوه بر قالی مورد مطالعه، در تصویر قالی موجود در قاب آینه تصاویر ۹ (الف و ب) دیده می‌شود که حکایت از رواج طرح دارد.

نوع اسلیمی در آهک‌بری حمام ارگ کریم‌خانی نیز دیده می‌شود. (تصویر ۱۰)

قالی دیگری نیز در برگی از نسخه «گلچین گلشن» دیده می‌شود، مشابه قالی مورد بررسی است. (تصویر ۱۱) این قالی نیز واگیره اسلیمی دارد.

اگرچه تصویر ۱۱ در اصفهان نقاشی شده است اما شاخصه‌هایی همچون پوشاک، حالات و فضاپردازی‌ها همانند آثار نقاشی عصر زند



تصویر ۸ الف- قالی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، نیمه اول قرن دهم هجری، محل نگهداری موزه ویکتوریا و آلبرت لندن منبع: (<https://collections.vam.ac.uk/>)



تصویر ۸ ب- قاب اسلیمی موجود در یکی از گل‌های خربزه‌ای پیرامون تزیین قالی شیخ صفی مشابیه واگیره قالی نگاره رستم خان زند. منبع: (https://collections.vam.ac.uk)



تصویر ۶- پیچش‌هایی همانند گردش اسلیمی در نوار حاشیه‌ای ظرف، دوره ساسانی. منبع: (<http://users.stlcc.edu/mfuller/HermitageSassanid.html>)



الف



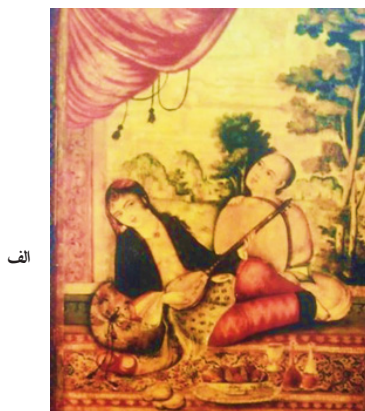
ب

تصاویر ۷ الف و ب- فرش‌پارهای متعلق به دوره تیموری، موزه بناکی آتن. منبع تصویر راست: (<http://www.azerbaijanrugs.com>)، منبع تصویر چپ: (<http://www.turkotek.com>)



خوبی برای هم آهنگی بین دو عالم و اتصال دستگاه‌های ریاضی است که با یکدیگر مغایرت دارند» (همان) وی ضرب عدد ۱۱ در ۶ (۶۶) را که بیانگر الله در حروف ابجد است، حروف اختصاری رسیدن به انتهای دنیا یعنی هدف غایی مسیر انسان می‌داند که از آن به بهشت مغرب یاد می‌کند. «در زبان فارسی این مکان [بهشت مغرب] «جابلسا» نامیده می‌شود که شهری خیالی در غربی‌ترین نقطه دنیا است» (همان: ۱۴۴). جابلسا و جابلقا دو شهر در غرب و شرق کوه قاف هستند که سهروردی در رساله عقل سرخ بدان‌ها پرداخته است. آراء هرمن درباره عدد هفت در تفسیر گل‌های هفت پر قالی نیز مصداق دارد. وی به خوشه پروین یا هفت ستاره اشاره نموده و مرتبط با مفهوم حرکت روح در عالم متافیزیک دانسته است. روح توسط ستارگان هدایت شده و به دب اکبر که با عدد هفت ارتباط دارد (هفت ثروت، هفت عقل یا اورنگ) می‌رسد و مهم‌تر آنکه وی ۱۳ را به خورشید و ۷ را به ماه اختصاص می‌دهد. به‌طور کلی وی اشاره به

علی‌آباد^۹ و بَلَمَه^{۱۰} فارس این حاشیه را در قالی‌هایشان به کار می‌برند. درون قاب اسلیمی با گل‌های ختایی گرد چند پر و غنچه تزئین شده است. به نظر می‌رسد قالی موجود در نقاشی اسلوبی دقیق و هندسی همانند قالی‌های واقعی ندارد. در میان گل‌ها برخلاف گل‌های گرد مرسوم، گلی یازده گلبرگ دارد. درحالی‌که در منابع مربوطه به گل‌هایی با تعداد گلبرگ‌های ۵، ۶، ۸، ۱۲ و غیره اشاره شده است. ابرهارت هرمن، پژوهشگر قالی ایرانی، مفاهیم این عدد را بررسی نموده است. «در حروف رمزی ابجد، عدد ۱۱۰ (۱۱×۱۰) بیانگر نام امام علی است و عدد ۱۲۱ [۱۱+۱۱] بیان‌کننده عبارت «یا علی» است» (هرمن، ۱۳۹۲: ۱۴۳) وی در ادامه این مفاهیم را به استمداد از حضرت مولا علی (ع) و رسیدن به بهشت دانسته است. از منظر اشکال هندسی هرمن درباره عدد ۱۱ می‌نویسد: «عدد ۱۱ در مرکز یک مسأله هندسی قرار دارد که تربیع دایره نامیده می‌شود... در فرهنگ‌های مترقی، تربیع دایره توصیف بسیاری

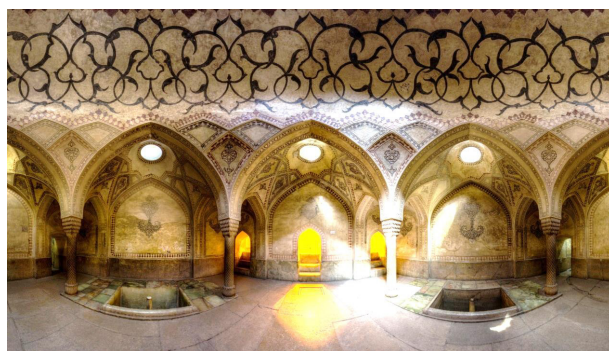


الف

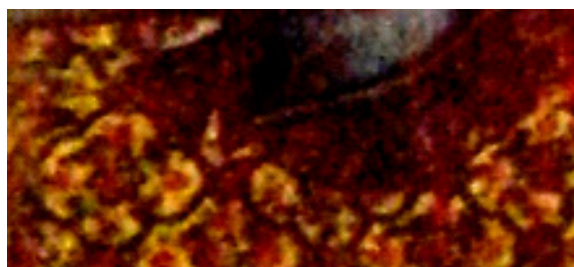


ب

تصاویر ۹ الف و ب- دو بی‌قرار، قاب آیینیه، عصر زند، قالی با نقش اسلیمی، مشابه واگیره قالی موجود در نگاره رستم خان زند و حاشیه مداخل. منبع: (احسانی، ۱۳۸۲: ۶۶)



تصویر ۱۰. نقوش تزئینی به کاررفته در آهک‌بری حمام کریم‌خانی شیراز، عصر زند. منبع: (<https://gravity.ir/>)



تصویر ۱۱. قالی طرح واگیره اسلیمی در نسخه گلچین گلشن، آکادمی مطالعات شرقی روسیه. منبع: (آژند، ۱۳۸۴: ۶-۱۵)



تمایز قالی‌های زند و صفوی کم‌رنگ‌شدن نقوش گردان در دوره زند است؛ اما در این نگاره قالی دربردارنده نقوش منحنی است. مشاهده این تابلو، شخصیتی آرام، موقر و قدرتمند از رستم‌خان زند در ذهن مخاطب بر جای می‌گذارد. نام وی نیز سبب القاء حس قدرت است. «مفهوم این نگاه از روبه‌رو رسمیت‌بخشیدن به شخصیت اثر در عین قدرت‌نمایی است» (جلالی جعفری، ۱۳۸۳: ۸۷). برخلاف بسیاری از پیکرنگاری‌های زند و قاجار که شخص با قلیان یا شمشیر تصویر شده، رستم‌خان رجعتی به سنت انوشیروانی^۲ داشته و ترنجی در دست دارد. این ترنج با نگاه آرام رستم‌خان و کثرت خطوط منحنی تابلو هماهنگی بسیاری دارد. اگرچه بسیاری از محققان به سبب اشاره نموده‌اند. نگارنده معتقد است لباس‌های گرم و بسیار ضخیم رستم‌خان و شرایط مکان تولید اثر، شیراز، شهر نارنجستان دال بر ترنج‌بودن میوه است. عناصر و آرایه‌های بسیاری همانند نقوش پارچه لباس، گره چینی، دسته خنجر، قالی و سطوح چوبی دیده می‌شود. این در حالی است که تزئینات به نسبت اجزای اصلی سهم بیشتری دارد. «طرح‌های پرنقش‌ونگار تداعی‌کننده قدرت و غنا هستند. حال آنکه صرفه‌جویی در طرح از لحاظ بصری که فقط به اساس کار توجه دارد خلوص، فروتنی و فقر است» (داندیس، ۱۳۸۲: ۱۲۶). انتقال حس قدرت‌نمایی و قدرتمندی اولین پیامی است که از مجموع تابلو درک می‌شود؛ اما قدرت توأم با بزرگ‌منشی و متانت. این موضوع به پرنقش‌بودن قالی ارتباط دارد. تحلیل علت انتخاب طرح قالی از سوی نقاش تا حدی در منابع تاریخی قابل‌ردیابی است. آیا چیدمان یکایک عناصر تصویری حاصل ذائقه و سلیقه آقا صادق است یا اینکه نظر و خواسته رستم‌خان زند نیز دخیل بوده است؟ پاسخ سؤال در تحلیل نقوش قالی راهگشا خواهد بود. در فرایند درک نقش‌مایه‌ها و نمادهای قالی لحاظ نمودن شرایط محیطی و جغرافیایی مهم است. نقوش گردان بیشتر در مناطقی چون اصفهان، تبریز، کاشان، کرمان و مشهد رایج بوده است؛ اما تابلوی رستم‌خان در شیراز خلق شده است. متون تاریخی زند، رستم‌خان را نوه برادر ناتنی کریم‌خان، زکی خان، دانسته و به دلاوری، شجاعت و رشادت او در «رستم‌التواریخ» اشاره شده است. «رستم‌خان- ولد اکبر خان، پسر زکی خان- با ده بیست هزار نفر از نوجوانان زند که هریک در شمشیرزنی و خنجر گذاری و جنگجویی، رشک رستم دستان و سام نریمان بودند، به اصفاهان آمدند و حاکم اصفاهان را گرفتند» (آصف، ۱۳۸۸: ۴۸۱). در تصویر هم خنجر رستم‌خان با دسته‌ای منقوش در کمر بند او جای‌گذاری شده است. رستم‌الحکماء، نویسنده رستم‌التواریخ، به حضور رستم‌خان در اصفهان اشاره نموده است. آیا امکان دارد حضور رستم‌خان سبب پسند طرح‌های گردان و سفارش این موضوع به آقا صادق شده باشد؟ پاسخ این سؤال را قاب آینه‌ای از دوره زند (تصویر ۱۰ الف و ب) نفی می‌کند. زیرا طرح قالی در قاب آینه نامبرده نیز، واگیره اسلیمی است.

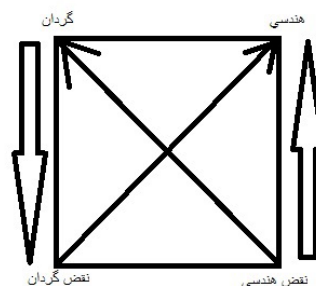
اما به نظر می‌رسد سلیقه نقاشان تأثیرگذار بوده و چینش و ترکیب‌بندی خواست و نظر آنان بوده است. در میان نمونه‌های یافت شده از قالی عصر زند و واگیره اسلیمی به نسبت طرح‌های هندسی کم‌تر دیده می‌شود.

الهیات کیهانی نموده و تمامی اعداد را در بستر نجومی مطالعه نموده است. او زمینه را بیان‌کننده کیهان و نقش‌مایه‌ها را این‌گونه توصیف می‌کند: «زمینه بیان‌کننده کیهان است و نقش‌مایه‌ها، نقشه راهنما را در اختیار مسافر خیالی قرار می‌دهند تا روح به سلامتی از میان قلمروهای ناشناخته سفر کند. طرح فرش غالباً تصویر انتزاعی و نمادین را نمایش می‌دهد.» (همان: ۱۴۶) پس در این صورت گل هفت‌پر نمادی از خوشه پروین، دب اکبر و ماه معنی می‌شود. پیش‌از این به شرح گل شش‌پر پرداخته شد و گل ده‌پر نیز صرفاً خطای نقاشی است زیرا شمارش تعداد گلبرگ‌های یکایک گل‌ها نشان از آن داشت که قصد بر ترسیم گل یازده‌پر بوده است. زیرا نزدیک‌ترین و دقیق‌ترین گل‌ها یازده پر هستند. مطالعه عناصر قالی موجود در نگاره‌ها دشوار است زیرا امکان بررسی و مطالعه تمام ابعاد شناختی را سلب می‌نماید؛ اما این مورد سبب نمی‌شود تا تحلیل و معنا کاوی نقوش صورت نگیرد. قالی مورد پژوهش طرحی واگیره‌ای و تکرار شونده دارد. خوشبختانه واگیره قالی، مشخص بوده و قابلیت خوانش دارد. «ژوزف کورتز معتقد است که الفاظ یا معانی صوری نباید باعث بی‌توجهی معنای واقعی شوند» (شعیری، ۱۳۹۱: ۳۳). البته در این قالی نهان‌بودن صورت نقش‌مایه‌ها بیشتر مصداق دارد. در میان تمامی قالی‌های یافت شده از عصر زند، تنها طرح گردان، واگیره‌ای اسلیمی است. سایر نمونه‌های یافته شده از این دوره تاریخی دارای طرح هندسی هستند. بنا به نظریه برخی اندیشمندان برای معناشناسی، ابتدا لازم است عناصر متضاد شناسایی شوند. «جزء به ضد، ضد را همی نتوان شناخت» (مولوی، ۱۳۷۸، ۵؛ ج. ۵: ۵۹۹). وقتی تضاد حاکم باشد معنا شکل می‌گیرد. «بنابراین نخستین گام در شکل‌گیری مربع معناشناسی داشتن دو متضاد است» (شعیری، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

الف) نقوش گردان حضور دارند؛

ب) نقوش هندسی وجود ندارند (تصویر ۱۲).

قالی نگاره‌ها نقشی فراتر از یک قالی موزه‌ای دارد. قالی‌های موجود در آثار هنری از وجه کاربردی خارج شده و به عنوان یک متن هنری قابلیت خوانش را در یک بستر گفتمانی می‌یابند. در اینجا آقا صادق، نقاش عصر زند، به عنوان «گفته‌پرداز» و تولیدکننده گفتمان و مخاطبان به عنوان «گفته‌خوان» ایفای نقش می‌کنند. یک گفتمان معنایی حاکم است. در حالی که قالی‌های هندسی در عصر زندیه رایج بوده است، آقا صادق نقوش اسلیمی در طراحی قالی تابلو انتخاب نموده است. یکی از وجوه



تصویر ۱۲. مربع معناشناسی با رئوس مقابل-مکمل و هم‌راستا-متضاد.



۱۴۹). همین همه بعدی بودن زمان سبب می شود هر لحظه به شکلی نو، آشکار گردد. یک سوی این زمان به ازل، سویی به ابد و میانه آن به لحظه حال وصل می شود و این ارتباط در رابطه جزء و کل می گنجد. «این ارتباط لحظه و ابدیت، جزء و کل... یکی از صفات ممیزه زمان اساطیری و آئینی است» (همان: ۱۴۹). این مفهوم از زمان اساطیری با معنای اسلیمی از دیدگاه برخی پژوهشگران انطباق دارد. رمز گشایی مفهوم اسلیمی بستر زمان اسطوره ای دیدگاه های بهتری را پیش رو می گذارد. «اسلیمی نوعی دیالکتیک در مقوله تزئین است که در آن منطق با پیوستگی زنده و جاندار وزن، هم دست می شود و دارای دو عنصر اساسی است: به هم پیچیدگی و در هم تابیدگی نقوش و نقش مایه های گیاهی» (بورکهارت، ۱۳۶۹: ۱۳۹). اسلیمی های حاشیه قالی در تصویر، با حرکاتی دوگانه سیری آفاقی و انفسی دارند. جامعیت حرکت به بهترین نحو در این نقوش نمایش داده شده است. می توان تشابه آن را با رشد و تعالی انسان در پی شناخت خود و سپس آفریننده خود به مصداق حدیث شریف «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (میزان الحکمه، ج ۳: ۱۸۷۶-۱۸۷۷) دانست. مفهوم باغ و بهشت در بیشتر نقوش ایرانی مصداق دارد که بورکهارت اسلیمی ها را به آن مفهوم ربط می دهد. اسلیمی ها در وهله اول نمادی از خلد برین و جاودانگی بهشت و در مراحل عالی تر، نمادی از رسیدن کثرت به وحدت، مقام توحید، است. (بورکهارت، ۱۳۷۶) با نگاه ژرف و ایده آل گرایانه رستم خان زند و ترسیم فضای مثالی در تابلو، فرم کلی قالی با فرم جزئی اسلیمی ارتباطی معنادار دارد. طرح های انتزاعی اسلیمی و ختایی فضای آرمانی را ترسیم کرده و پویایی و زیبایی می بخشد. حاشیه قالی نیز در آثار دوره های پیش تر دیده می شود؛ اما نمونه ای که بسیار جلب توجه نمود، ظرفی در موزه متروپولیتن است که آن هم نوعی پیکره نگاری است (تصویر ۱۳). این مرد همانند رستم خان در حالتی نشسته تصویر شده است. حاشیه اسلیمی و شکوفه دار این ظرف ساختار مشابه حاشیه درونی قالی موجود در نگاره رستم خان دارد (تصویر ۱).

نگارنده بر این نظر است که به نظر می رسد اگرچه نقاش، آقا صادق، از الگوهای پیشین عامدانه تأثیر نپذیرفته اما خاطره های ازلی و بت های ذهنی بر ناخودآگاه هنرمند نقش بسته و سرمشق آثارش شده

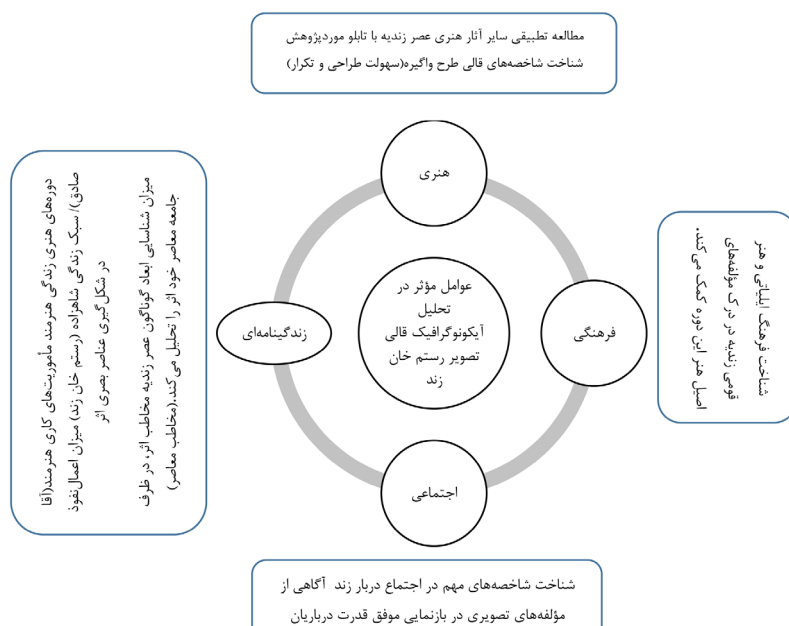


تصویر ۱۳. بشقاب سفال، دوره اسلامی آغازین، اواخر قرن ۸ یا اوایل ۹ میلادی، نیشابور، موزه متروپولیتن، ۲/۹×۲۲/۵×۶/۴ سانتی متر. منبع: <http://www.metmuseum.org>

اگر طراح کاشی ها و قاب آینه معلوم بود شاید نتایج بهتری حاصل می شد. نقاش مجالس پنج گانه عمارت هفت تنان شیراز نیز آقا صادق است. در این نقاشی ها نیز حاشیه اسلیمی زینت بخش آثار است. در دایره المعارف هنر به نقاشی پرده های جنگ چالدران و جنگ کرنال در عمارت چهل ستون توسط آقا صادق اشاره شده است (پاکباز، ۱۳۸۳). اگر طراح بیشتر آثار آقا صادق باشد، می توان استنباط نمود که زندگی در اصفهان برگزینش طرح اسلیمی از سوی آقا صادق تأثیر داشته است. از سویی دیگر از نظر لغوی، اسلیم به معنای جوانه بوده و فصل رویش را تداعی می کند. در رستم التواریخ به نوجوانی رستم خان اشاره شده است. «از بصره، بارستم خان... بیست هزار نفر از نوجوانان زند...» (آصف، ۱۳۸۸: ۴۸۱). به هر ترتیب قالی تصویر طرح واگیرهای اسلیمی دارد. حضور عناصر اروپایی در پیکره نگاری دوره زندیه به چشم می خورد.

«در پرده رستم خان زند، که از اندک آثار به جامانده از دوره زندیه است، شاهد هم نشینی فضای مثالی هنر ایران و ناتورالیسم اروپایی هستیم. علی رغم حضور عناصر اروپایی، وفاداری نقاش نسبت به زیبایی شناسی ایرانی، قابل تحسین بوده و آرایش پرده با استفاده از نقوش سنتی، هویت شرقی را بر ترکیب بندی متأثر از دوره رنسانس حاکم می سازد.» (برهمند، ۱۳۸۹: ۷۷۱)

قالی به عنوان هنری مستقل و متنی مجزا در درون این تابلو است و پیکر رستم خان زند نیز متنی دیگر، فضای گفت و گومندی میان این دو برقرار است. رابطه گفت و گومانی این متون در معنا کاوی تابلو نقش دارد. شعیری در کتاب نشانه-معناشناسی دیداری انواع روابط میان متن نوشتاری و تصویری را می شمارد که یکی از انواع، رابطه تقدم و تأخر است. نویسنده کتاب تأکید بر نوشتاری بودن متن و دیداری بودن تصویر دارد؛ اما نگارنده در تحلیل نگاره رستم خان زند قالی را یک متن و پیکره نگاری را نیز متن مستقلی دیگر لحاظ نموده و به بررسی روابط گفت و گومانی آن ها پرداخته است. «آقا صادق» با چیدمان این متون کنار یکدیگر، قصد رساندن پیام گفت و گومانی آن ها را به «گفته خوان/مخاطب» هر دوره ای دارد. با تکیه بر محوریت زمان، قالی متن مقدم و پیشینه دار و پیکره نگاری متن مؤخر و نوین محسوب می شود. قالی باهدف تعدیل فضای مدرن تصویر به کار گرفته شده است تا نشانه های حائز اهمیت ایرانی در تصویر نمایان شود. با این رویکرد اگر نقش مایه های قالی نیز هندسی بود، شفاف سازی مرز میان گره چینی تصویر و قالی، تصویر را خشک و بی روح می ساخت. این در حالی است که خطوط گردان و سیال اسلیمی منجر به پویایی و القاء حس هویت ایرانی شده است. حال که قالی متن مقدم پنداشته شد، زمان معنای دوپاره در تصویر می یابد. زمان حاکم بر قالی، زمان اسطوره ای است. زمان اسطوره ای برخلاف زمان علمی تک بعدی، کمی و خطی نیست. «در ایران قدیم، زمان، طبق رساله جهان شناسی و اساطیری بندهش دو بُعد دارد: یکی زمان «اکرانه» و بیکران است و دیگری زمان کرانمند» (شایگان، ۱۳۸۸: ۱۴۶). زمان علمی قابل درک است اما زمان اسطوره ای رمز آمیز است. زمان اکرانه به ساحت اهورا تعلق دارد. «زمان به علت اینکه جوهر اهورائی دارد، وجودی است همه بعدی» (همان:



نمودار ۱. عوامل مؤثر در تحلیل آیکونوگرافیک قالی تصویر رستم خان زند.

این طرح دیده می‌شود. نقاشان مانند سایر هنرمندان در طول زندگی خود با تغییر حکومت و جابجایی محل خدمت خود دوره‌های هنری گوناگونی را سپری می‌کنند که آقا صادق نیز از این قاعده مستثنا نیست. آیکونوگرافی تصویر قالی نگاره سبب شد نسبت به یکی از طرح‌های قالی عصر زند شناختی چندبعدی و چندلایه حاصل شود. در لایه اول نقوش قالی مشاهده طرح واگیره‌ای اسلیمی شناخته شد. با کشف واگیره و تکرار آن نمای کلی طرح قالی نقاشی به دست آمد. آثاری مثل قلمدان و قاب آینه نیز گواهی بر رواج طرح واگیره‌ای در دوره زندیه شناخته شد. نمونه‌های بسیاری از آثار هنری ایران از طرح‌های واگیره‌ای به جهت سهولت در طراحی و تکرار بهره برده‌اند که قالی موجود در تصویر رستم خان زند نیز شهادی بر این مدعاست. شناخت و آگاهی نسبت به یکی از طرح‌های قالی دوره زندیه دستاورد گام نخست، پیش آیکونوگرافی، است. مرحله بعد نقوش اسلیمی و ختایی مورد تحلیل آیکونوگرافیک واقع شدند. در میان قاب‌های اسلیمی قالی، گل‌های ختایی دیده می‌شود. تعداد خاص (۱۱) پر گلبرگ‌های برخی گل‌ها نشان از نوآوری هنرمندان عصر زندیه دارد. برخی پژوهشگران فرش دستباف، ۱۱ را عددی رمزی دانسته و نشان از ارادت ایرانیان به حضرت علی (ع) و مرتبط با عدد رمزی ابجد «۱۱۰» می‌داند. قالی نمایان شده در تصویر با سایر اجزای نگاره همچون نقوش لباس رستم خان و تزئینات دیوار هماهنگ است. طرح هندسی گره چینی طارمی و طرح گردان قالی از مصادیق تبانی است که حاصل مطالعات معناشناختی تصویر است. قالی نامبرده دو حاشیه داخلی و خارجی دارد. حاشیه داخلی متشکل از پیچش اسلیمی و حاشیه بیرونی یکی از رایج‌ترین حواشی قالی عصر زند، حاشیه مداخل، است. جست‌وجوی نقش مداخل در سایر آثار دوره زندیه نشان از کاربرد فراوان آن داشت. به‌طور مثال در تزئینات آجری باروی ارگ کریم‌خانی و آهک‌بری حمام و کیل نیز نقش مداخل دیده می‌شود. درنهایت این که شناخت واگیره‌ای اسلیمی،

است. «ناآگاه آن است که به‌مرور، طی قرن‌های متمادی، خصلت‌هایی از نیاکان دوردست ما در ما ته‌نشین شده، آنچه را که می‌توانیم آن را «جرم روزگاران» و «ره‌آورد تاریخ» بخوانیم» (اسلامی ندوشن، ۱۳۹۹: ۱۶۱). اسلیمی نیز طرحی نبوده که به یک‌باره خلق شود، این نقش مایه نیز همانند سایر نقوش در گذر زمان تحول‌یافته و بر پیکره قالی نمایان شده است. بسیاری از آثار هنری ایران باستان نقشی مشابه اسلیمی را داشته‌اند و پس از اسلام فقط به نام «اسلیمی» شناخته شد (نمودار ۱).

نتیجه‌گیری

آیکونوگرافی تصویر قالی در نگاره رستم خان زند نشان از آن داشت که قالی‌ها نیز همانند سایر آثار هنری بازتابی از بافت اجتماع هستند. شروع گفت‌وگو باستان‌گرایی در دوره زندیه همراه با بازگشت به برخی سنت‌های درباری ایران باستان در تابلو رستم خان زند قابل احصاء است. بسیاری از پیکرنگاری‌های زند و قاجار شخص با قلیان یا شمشیر تصویر شده، رستم خان بازگشتی به سنت انوشیروانی داشته و ترنجی (یا سیب) در دست دارد. به اعتقاد برخی پژوهشگران فضای مثالی هنر ایران در نگاره رستم خان زند نمایان است. با توجه به برخی از مؤلفه‌ها اعم از پوشاک و تزئینات آن و خنجر و نوع نشستن شاهزاده، الگوی‌های موردپسند دربار قابل استخراج است. از سویی دیگر مشاهده واگیره قاب اسلیمی در برخی دیگر از آثار آقا صادق نشان از دو مورد رواج واگیره در عصر زندیه و علاقه‌مندی نقاش به نقش نامبرده دارد. به هر ترتیب در پاسخ به پرسش چرایی و چگونگی انتخاب برخی عناصر بصری مانند طرح و نقش قالی در تصویر و گزینش طرح واگیره‌ای اسلیمی برخاسته از سلیقه شاهزاده بوده یا حاصل رسوب جرم روزگار در اندیشه نقاش می‌توان این گونه پاسخ داد؛ علاوه بر اینکه قالی طرح واگیره‌ای در دربار زند در ابعادی مثل کناره استفاده می‌شده است اما در برخی دیگر از نقاشی‌های آقا صادق نیز



سی و دوم، تهران: سروش.

شایگان، داریوش (۱۳۸۸)، *بت‌های ذهنی و خاطره ازلی*، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۱)، *مبانی معناشناسی نویز*، چاپ سوم، تهران: سمت.

عبدی، ناهید (۱۳۹۰)، *درآمدی بر آیکونولوژی: نظریه‌ها و کاربردها*، چاپ اول، تهران: سخن.

— فریه، ردلیو (۱۳۷۴)، *هنرهای ایران*، مترجم: پرویز مرزبان، چاپ اول، تهران: فرزانه روز.

— مایتر، ورنون هاید (۱۳۸۷)، *تاریخ تاریخ هنر*، ترجمه مسعود قاسمیان، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.

— مولانا، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۸)، *مثنوی معنوی*، تصحیح‌شده رینولد نیکلسون، با مقدمه استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات امیرمستعان.

— نامی، غلامحسین (۱۳۸۵)، *مبانی هنرهای تجسمی ارتباطات تصویری*، چاپ پنجم، تهران: توس.

— نصر، طاهره (سها) (۱۳۸۷)، *جستاری در شهرسازی و معماری زندگی*، چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.

— نصری، امیر (۱۳۹۱)، «خوانش تصویر از دیدگاه اروین پانوفسکی»، *کیمیای هنر*، سال اول، زمستان ۹۱: ۷-۲۰.

— نصیری، محمدجواد (۱۳۸۹)، *افسانه جاویدان فرش ایران*، چاپ اول، تهران: فرهنگسرای میردشتی.

— هایدگر، مارتین (۱۳۷۹)، *سراغ کار هنری*، ترجمه پرویز ضیاء شهابی، چاپ اول، تهران: هرمس.

— هرمن، ابرهات (۱۳۹۲)، *عالم (باند‌های انتهایی افقی در هنر نساجی)*، مترجم: علیرضا قادری، فصلنامه پژوهش هنر، سال نخست شماره دو، ۱۴۶-۱۳۹.

— یساولی، جواد (۱۳۷۹)، *قالی‌ها و قالیچه‌های ایران*، تهران: یساولی.

فهرست منابع لاتین

Panofsky, E. (1972). *Studies in Iconology (Humanistic Themes in Art of the Renaissance)*, Icon Editions, New York.

<http://arts-of-the-islamic-world-113223/lot.99.html> (11/11/1399)

[http://archaeologynewsnetwork.blogspot.com\(09/01/1400\)](http://archaeologynewsnetwork.blogspot.com(09/01/1400))

<http://users.stlcc.edu/mfuller/HermitageSassanid.html> (12/11/1399)

<http://www.azerbaijanrugs.com> (11/11/1399)

<http://www.metmuseum.org> (12/12/1399)

<http://www.sothebys.com/en/auctions/ecatalogue/2013/> (11/7/1399)

<http://www.turkotek.com> (05/02/1400)

[https://fa.wikipedia.org/wiki/\(06/02/1400\)](https://fa.wikipedia.org/wiki/(06/02/1400))

<https://gravity.ir/> (18/09/1400)

<https://vam.ac.uk/> (18/09/1400)

به‌عنوان یکی از بخش‌های تکرارشونده در قالی عصر زندیه حائز اهمیت بوده و بیانگر این است که قالی واگیره همانند سایر عناصر بصری تصویر از طرح‌های پروتق دوره زندیه (۱۲۰۹-۱۱۶۳ هجری) بوده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Ervin Panofsky.
۲. آقا صادق یا محمدصادق، نقاش برجسته دوره زندیه (۱۲۰۹-۱۱۶۳ هجری).
۳. حاشیه مداخل: طرح مداخل از نقوش رایج حاشیه قالی و گاهی تزئینات آجری ابنیه است. وجه تسمیه آن فرورفتن و درهم‌شدن یک نقش در دو جهت مخالف است. ورود و داخل‌شدن نقوش در حریم یکدیگر.
۴. روستای علی‌آباد از توابع استان فارس بوده و در ۱۸۰ کیلومتری جنوب شیراز.
۵. تیره یلمه از طایفه عمله ایل بزرگ قشقایی.
۶. انوشیروان عادل پادشاه ساسانی، روایات و داستان‌ها حاکی از این است که انوشیروان برای کظم غیظ و فرونشاندن خشم ترنجی در دست داشته و می‌بوید است تا آرامش خود را بازیافته و از سر خشم تصمیم نگیرد.

فهرست منابع فارسی

آژند، یعقوب (۱۳۸۴)، *نقاشی دوره زندیه درآمدی بر نقاشی دوره قاجار*، خیال شرقی، ش. ۱، ۱۳۸۴، صص ۶-۱۵.

آصف، محمد هاشم (۱۳۵۲)، *رستم/تواریخ*، به اهتمام محمد مشیری، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

احسانی، محمدتقی (۱۳۸۲)، *جلدها و قلمدان‌های ایرانی و نگارگری (جلد دوم: هنرمندان ایرانی در سه قرن اخیر)*، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۹۹)، *ایران و تنهائیش*، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

برهمند، مریم (۱۳۸۹)، *ترکیب‌بندی در آثار پیکره‌نگاری درباری دوره زندیه*، مجموعه مقالات کنگره زندیه-شیراز، به کوشش علی‌اکبر صفی‌پور و محمدعلی رنجبر، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، صص ۷۷۱-۷۷۹.

بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۹)، *هنر مقدس (اصول و روش‌ها)*، چاپ اول، تهران: سروش.

پاکباز، روئین (۱۳۸۳)، *دائرةالمعارف هنر*، تهران: فرهنگ معاصر.

پوپ، آرتور ابهام (۱۳۸۷)، *سیری هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز (جلد ششم: فرش و فرش‌بافی)*، ویرایش: سیروس پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

جلالی جعفری، بهنام (۱۳۸۲)، *نقاشی قاجاریه (نقد زیبایی‌شناسی)*، تهران: چاپ اول، کاوش قلم.

حضور، علی (۱۳۷۶)، *تک‌مضمونی‌های فرش ۴: فرش بر مینیاتور*، چاپ اول، تهران: فرهنگستان.

دالوا، آن (۱۳۹۴)، *روش‌ها و نظریه‌های تاریخ هنر*، ترجمه آناهیتا مقبلی و سعید حسینی، چاپ اول، تهران: انتشارات فخرآکیا.

دانیس، دونیس (۱۳۹۱)، *مبادی سواد بصری*، ترجمه مسعود سپهر، چاپ

Iconographic analysis of Rug contaminated designs in the Rustam Khan Zand painting

Samaneh Kakavand^{*1}

¹ Assistant Professor, Department of Carpet, Faculty of Applied Arts, University of Art, Tehran, Iran

(Received: 2 Sep 2021, Accepted: 19 Jan 2022)

This study examined the iconography of the “vagirei” carpet pattern in the Rustam Khan Zand painting, which is an original visual document from the Zand period in Iran (1163–1209 AH/1751–1794 AD) as it is a court painting and signed by its painter. This allows studying all of the elements of the miniature in the light of the common patterns of its historical period. The main questions of this study were posed as follows: Could the patterns on the carpet be studied contextually? How could iconographic study lead to the analysis of the carpet pattern in the painting? It seems that in addition to discovering the analysis of one of the common carpet patterns of the Zand era, the iconography of its pattern can reveal the intellectual concepts and patterns of the Zand period. The hypothesis was that the painter of the miniature has painted everything that was in the surroundings realistically. However, on the presumption that Rustam Khan may have exerted his personal taste, the question arises whether selecting some of the visual elements such as the motifs in the patterns of the carpet and choosing arabesque vagirei pattern were rooted in the prince’s taste or to what degree they have been pictured in the painter’s mind? The painter of the work is Muhammad Sadiq and carpets with arabesque frame pattern can be found in his other works. The artistic virtuosity of the painter and the painting tradition of the time had more influence compared with the Zand prince’s exertion of personal taste. This qualitative study was descriptive-analytical and the data were collected by library research with indexing and recording observations. Moreover, the analysis was based on iconography theories. The results of the study showed that arabesque vagirei frame was one of the common carpet patterns in the Zand period in Iran given the subject of the miniature and Muhammad Sadiq’s signature. Despite the dominance of an exemplary atmosphere

of Persian art in the painting, each one of the visual elements follows uniform practice and the tradition of Archaism can be perceived. The selection of this type of carpet was influenced by the content and is unified with the overall form of the miniature. The analyzes are also based on the iconographic theory of Ervin Panofsky. The carpet has two inner and outer edges. The inner edge consists of Islamic twist and the outer edge is one of the most common margins of Zand era carpet, the edge of the entrance. The search for the role of interventions in other works of the Zandieh period showed its widespread use. For example, in the brick decorations of Karim Khani citadel and limestone of Vakil bath, the role of intervention is also seen. Finally, recognizing Islamic contagions as one of the recurring flaws in Zandieh era rugs is important and indicates that contagious rugs, like other visual elements, have been the image of the prosperous designs of Zandieh era.

Despite the reputation of Iranian carpets, little scientific research has been done in the field of weaving and many questions remain unanswered. In some periods the problem becomes more complicated with the lack of historical sources. Zandieh carpet is an example of such a claim. The problem is so complicated that many years ago it was believed that there was no carpet from the Zandi period. The paintings solve the problem to some extent and the design of the carpets in the paintings as visual sources helps to recognize the acceptable and common designs of that period. Carpet designs and designs, despite repetition in each period of evolution, have had an innovative and unique style. The article seeks to answer the question of how the study of iconography, how to analyze the design of the carpet in the image? It seems that in addition to analyzing one of the common designs of Zandieh carpets, the iconography of the mentioned carpet design shows the concepts and

^{*}Corresponding author: Tel: (+98-919) 3844404, Fax: (+98-21) 66404986, E-mail: s.kakavand@art.ac.ir



thought patterns of Zandieh period. The hypothesis is that the painter depicted everything that actually existed around him in the painting in question; But on the other hand, assuming the possibility of applying Rostamkhan's taste, the question arises that in choosing some visual elements such as carpet designs in the image and choosing the design of Islamic contagious designs arising from the prince's taste or how much is imagined in the painter's mind? The painter is Agha Sadegh II, and in his other works, carpets with Islamic frames can be seen. The artistic taste of the painter and the tradition of embossing the time have been more influential than the tastes of Prince Zandi. Due to the qualitative approach of the research, the research method is descriptive and analytical and information is collected using library

resources. Analyzes have also been performed based on the iconographic approach. The result of the research showed that due to the subject of Aqasade-gh's drawing and signature, the Islamic frame was a catchy one of the conventional designs of Zandieh period carpets. Despite the dominance of the exemplary atmosphere of Iranian art on the painting, each of the visual elements has a unity of procedure and the tradition of archeology is understandable. The choice of the type of carpet is also influenced by the content and has unity with the general form of the image.

Keywords

Iconography, Zand Rug, contagious design, Islamic frame, Rostam Khan Zand